

دوفصلنامه الاهیات قرآنی

(با رویکرد کلامی)

سال پنجم/ شماره ۱/ پیاپی ۸/ بهار و تابستان ۹۶

صفحات ۷۳ الی ۹۲

آموزه‌های تربیتی نظام خانواده در گفتمان قرآنی با رویکرد سبک‌شناسی لایه‌ای

کبری راستگو*

سیده فاطمه سلیمی**

چکیده

قرآن کریم به‌عنوان معجزه علمی جاودان برای هدایت بشر، برای خانواده اهمیت فراوانی قائل است و آن را سنگ بنای مهم حیات اجتماعی و کانون اخلاقی جامعه می‌شناسد. از اینرو، برای ضابطه‌مند شدن این نظام و نهایتاً نظم یافتن جوامع بشری، توصیه‌ها، دستورالعمل‌ها و قوانین ویژه‌ای را در مجرای زبان مفهوم‌سازی می‌کند. پژوهش حاضر با هدف بررسی کاربرد رویکرد سبک‌شناسی لایه‌ای در کشف آموزه‌های تربیتی نظام خانواده در آیات نورانی قرآن مجید انجام شده است. سوال اساسی پژوهش این است که قرآن کریم در تبیین اندیشه‌های تربیتی خانواده از کدامیک از تمهیدات و اختیارات زبانی سود جسته است؟ بررسی‌ها نشان داد که متن بی‌بدیل قرآن، ترکیب و ساختار زبانی و آرایه‌های ادبی محض نیست بلکه در این کلام آسمانی، علاوه بر عالی‌ترین مفاهیم حقیقی اخلاقی، ژرف‌ترین آموزه‌های تربیتی نظام خانواده در لایه‌های مختلف زبانی به‌کمک اختیارات زبانی مانند واج‌آرایی، جایگزینی واژگانی، ذکر و حذف، تقدیم و تاخیر، استعاره و غیره مفهوم‌سازی شده است. گفتنی است این پژوهش، به لحاظ راهبردی توصیفی-تحلیلی به‌شمار می‌رود و به لحاظ راهکاری و روش جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای محسوب می‌شود.

واژه‌های کلیدی: سبک‌شناسی لایه‌ای، آموزه‌های تربیتی، نظام خانواده، گفتمان قرآنی.

* استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده تربیت مدرس قرآن، مشهد. rastgoo@quran.ac.ir

** استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی امل.

پذیرش: ۹۶/۲/۳

دریافت: ۹۵/۹/۸

مقدمه

تحلیل سبک‌شناختی در رویارویی با جهان متن با تکیه بر یافته‌های زبان‌شناسی و مباحث زیبایی‌شناسی، درصدد کشف هر چه دقیق‌تر معانی نهفته در کلام با تمام زیبایی‌هایش و در نهایت احراز میزان قدرت آفریننده کلام در نحوه‌ی استخدام زبان برای ارسال پیام مورد نظر به وجه احسن می‌باشد؛ روشن است که مطالعات سطح بلاغی زبان، سهم زیادی در سبک‌شناسی دارند به‌گونه‌ای که شگردهای بلاغی و صناعات بدیعی، تمهیدات سبکی نیز نام گرفته‌اند چه، در آفرینش متن خلاقانه کارآمد هستند و نیز به فرایند خوانش و تحلیل متن یاری می‌رسانند.

قرآن کریم، به‌عنوان نمونه‌ی والای سخن فصیح و بلیغ، گویای آن است که معارف الهی در زبان تجلی کرده و خداوند با همین زبان بشری سخن گفته، و در کلام خود از تمهیدات سبکی فراوانی بهره جسته است که آن را کلامی فنی، دقیق و فرازمانی و اعجاز‌آمیز قرار می‌دهد. اساساً تمهیدات سبک‌شناختی در کلام باری‌تعالی به شکل‌های گوناگون و در لایه‌های متعدد آوایی، واژگانی، صرفی، نحوی، بلاغی، به‌منظور انتقال نکات ژرف و مختلفی نمایان می‌گردد که انسان می‌تواند در تحلیل آن‌ها، از ابزارهای تحلیل زبان بشری سود جوید.

آموزه‌های تربیتی خانواده، یکی از بنیادی‌ترین آموزه‌های انسانی به‌شمار می‌آید که در مکتب حیات‌بخش اسلام و خصوصاً کلام وحیانی قرآن از جایگاهی درخور برخوردار است. در بینش قرآن، جهان با همه‌ی بزرگی و وسعتش به‌منظور گرمای داشت مقام و منزلت آدمی و برای رشد و تعالی و تکامل او به‌وجود آمده است. و این مهم در گرو تربیت حقیقی او است. نظام خانواده از مهم‌ترین محیط‌های زمینه‌ساز بدبختی یا خوشبختی انسان‌ها و ملت‌ها به‌شمار می‌آید و حیات آن در دیدگاه اسلامی - قرآنی بر ضوابط اخلاقی و حقوقی مهمی متکی است که دامنه‌ی آن دربرگیرنده‌ی شان زوجین، فرزندان و والدین است.

براین‌اساس پژوهش حاضر بر آن است تا با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، آموزه‌های تربیتی نظام خانواده را که در نتیجه‌ی استعمال تکنیک‌های سبک‌شناختی در لایه‌های مختلف زبانی به تصویر درآمده، از گفتمان قرآنی استخراج کند و پاسخی درخور سوالات ذیل اقامه نماید:

۱- قرآن کریم در تبیین آموزه‌های تربیتی خانواده از کدامیک از تمهیدات و اختیارات زبانی

سود جسته است؟

۲- نقش ساختار زبانی و شگردهای آن در کلام وحیانی قرآن چگونه قابل ارزیابی است؟

فرضیه‌های در نظر گرفته شده به شرح زیر است:

- ژرف‌ترین آموزه‌های تربیتی نظام خانواده در لایه‌های مختلف زبانی به کمک اختیارات زبانی مانند واج‌آرایی، جایگزینی واژگانی، ذکر و حذف، تقدیم و تاخیر، استعاره و غیره مفهوم سازی شده است.

- کلام آسمانی قرآن، ترکیب و ساختار زبانی محض و آرایه‌های ادبی نیست بلکه خداوند در زبان بشری تجلی یافته و در ورای لایه‌های مختلف آن عالی‌ترین مفاهیم حقیقی و انتزاعی اخلاقی - تربیتی را مفهوم‌سازی کرده است.

۱. پیشینه پژوهش

از جمله پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه سبک‌شناسی قرآن کریم می‌توان به دو مورد زیر اشاره نمود:

۱. کتاب «سبک‌شناسی قرآن کریم، تحلیل زبانی» تالیف حسین عبدالرؤوف؛ ترجمه این کتاب برای نخستین بار به قلم پرویز آزادی در انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) سال ۱۳۹۰ به چاپ رسید. مولف با تکیه بر اصطلاحات تخصصی دانش سبک‌شناسی به بررسی ویژگی‌های زبانی و متنی گفتمان قرآن کریم و تغییرات نحوی و تفاوت سبکی و ویژگی‌های بافتی و هم‌متنی و... این کلام آسمانی پرداخته است.

۲. مقاله «الظواهر الأسلوبیه فی سورة الأنعام» اثر مشترک حسین کیانی و سمیه قلاوند (۱۳۹۳)؛ از دیگر آثاری است که در حوزه سبک‌شناسی قرآن به نگرارش درآمده است. در پژوهش فوق‌الذکر مقوله‌های تکرار، تقدیم و تاخیر، التفات و معانی ثانوی امر، نفی و استفهام در سورة انعام با رویکرد سبک‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته است.

در میان تمام این پژوهش‌ها، خلأ پژوهشی که به بررسی لایه‌های مختلف زبانی و تکنیک‌های سبکی قرآن به‌منظور تبیین آموزه‌های تربیتی نظام خانواده بپردازد، به چشم می‌خورد. از این‌رو، نویسندگان بر آن شدند تا در پرتو مطالعات زبان‌شناسی معاصر، خوانش تازه‌ای از آموزه‌های تربیتی نظام خانواده در قرآن کریم به دست دهند و به نقش شگرف تکنیک‌های سبکی در تبیین و درک مفاهیم انتزاعی اخلاقی - تربیتی اشاره کنند.

۲. سبک‌شناسی لایه‌ای

سبک در لغت، به معنی گداختن و ریختن زر و یا نقره در قالب است و به پاره‌های طلا و نقره که پس از گداختن در قالب ریخته شود، سبیکه (شمش) گفته می‌شود (مهنا، ۱۴۱۳ق،

ج ۱: ۵۷۳) و در اصطلاح ادبیات، بر طرز ادایی اطلاق می‌شود که از حیث خصوصیات و مولفه های امتیازی که نسبت به هنرهای زیبا دارد، مورد بررسی قرار گیرد؛ و نیز روش نگارشی است که به وسیله خواص ممتاز خود مشخص باشد (بهار، ۱۳۴۹، ج ۱: ۴). به گفته ماروزو (Marouzeau): «زبان سیاه‌های از امکانات فراهم می‌آورد. این امکانات همان سرمایه همگانی است که در اختیار همه بهره‌برداران گذاشته شده است. بهره‌برداران به حسب نیازهای بیانی خود، از این سرمایه برمی‌گیرند و تا آن‌جا که قوانین زبان به آنان اجازه می‌دهد [اشاره به محور همنشینی] گزینشی به عمل می‌آورند که همان سبک است» (غیائی، ۱۳۶۸: ۲۴).

به‌دیگر بیان زبان، شبکه‌ای است نظام‌مند از لایه‌ها، پیوندها و سبک‌شناسی لایه‌ای، با رویکرد تحلیل ادبی، دانشی است که به بررسی لایه‌های مختلف آن می‌پردازد. بنیاد کار این دانش بر تمایز، گوناگونی و گزینش زبانی در پنج لایه آوایی، واژگانی، صرفی، نحوی و بلاغی زبان استوار است که به کمک آن‌ها می‌توان محتوای متن را براساس ظواهر، شواهد و شاخصه های صوری آن تحلیل کرد (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۳۷). با توجه به ماهیت این دانش، متن از ابزار صرف اطلاع‌رسانی و حالت اخباری محض خارج شده و به‌صورت ابزاری که وظیفه آن تاثیرگذاری است، نمایان می‌شود (کواز، ۱۴۲۶ق: ۵۱).

در دانش سبک‌شناسی لایه‌ای، تمهیدات سبک‌ساز به آن دسته از سازه‌های زبانی و عناصر متنی اطلاق می‌شود که برجستگی معناداری در متن دارند و نقش مهمی در وجه جمالی و بیانی و محتوایی اثر ایفا می‌کنند. کار سبک‌شناسی لایه‌ای نیز بر پایه بسامد رخدادهای زبانی استوار است. به بیان دیگر، بسامد مطلوب در سبک عبارت است از تکرارهای «برجسته و معنادار» که نشان‌دهنده یک عادت زبانی یا یک مشخصه پایدار فکری و روحی باشد و در مجموع، برای شناسایی عناصر سبک‌ساز، توجه به شاخصه‌هایی نظیر تکرار شدن در متن به‌طور پایدار، هنجارگریزی یا به تعبیر دیگر فراهنجاری، تأثیر معنادار بر کلیت متن و خواننده، امری اجتناب‌ناپذیر و ضروری خواهد بود.

۳. آموزه‌های تربیتی نظام خانواده در لایه‌های زبانی قرآن

در متون اسلامی و آموزه‌های دینی، همانطور که پیشتر گفته شد، دستورات سازنده‌ای در رابطه با تعامل همسران، والدین و فرزندان و امور خانواده وارد شده است. همچنان‌که در تمام ادیان الهی نیز به خانواده توجه ویژه شده و برای هدایت آن، قوانینی وضع گردیده است. در آموزه‌های تربیتی قرآن، به‌عنوان کامل‌ترین و اعجاز‌آمیزترین کلام الهی، توصیه‌ها،

دستورالعمل‌ها و قوانین محکم مربوط به خانواده، با استفاده از شگردهای خاص زبان بشری به زیباترین و معنادارترین شکل ممکن آن بیان شده است. آدمی در قرآن، نه صرفاً با ترکیب‌ها و ساختار ادبی بلکه با اطلاعات و اندیشه‌هایی که ورای آن‌ها نهفته‌اند، سروکار دارد.

۳-۱. آموزه‌های تربیتی نظام خانواده در لایهٔ آوایی: آواشناسی یا فونتیکی، بخش مرتبط با خصوصیات فیزیکی اصوات در دانش زبان‌شناسی و علوم مرتبط با آن مانند سبک‌شناسی می‌باشد. در لایهٔ آوایی، نحوهٔ کاربرد واحدهای آوایی در یک موقعیت زبانی و تاثیرات زیبایی‌شناسانهٔ آواها و ایجاد نظام‌های صوتی در ساخت آرایه‌های لفظی و بدیعی نظیر سجع، جناس، واج‌آرایی، واژه‌آرایی و... بررسی می‌شود (مقیاسی و فراهانی، ۱۳۹۳: ۴۴).

۳-۱-۱. آموزهٔ تربیتی «عدالت رفتاری و عدم تبعیض در تعامل با والدین»: واژه‌آرایی، آرایش کلام به وسیلهٔ کلمات و واژگان است؛ زیرا ساختار چینش برخی از کلمات، زیبایی خاصی به کلام می‌بخشد و بر موسیقی آن می‌افزاید. واژه‌آرایی گاه کاربرد چندباره یک کلمه است و گاه همنشینی چند واژه همگون می‌باشد (راستگو، ۱۳۷۶: ۵۲). یکی از انواع واژه‌آرایی، تکرار واژه با تکرار حروف خاص در عبارت است که علاوه بر انتقال معنایی خاص به خواننده، باعث هماهنگی در کلام می‌شود که این تناسب به‌طور ذاتی در عبارت موجود است. به‌طور مثال قرآن کریم به‌منظور تاکید بر عدالت رفتاری در تعامل با والدین در آیه ۲۳ سوره اسراء از این شگرد زبانی سود جست، می‌فرماید: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفًّا وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا وَاحْفَظْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا».

بارزترین مشخصهٔ آوایی-زبانی که در این آیه به گوش می‌آید تکرار متناوب واژه «هما» می‌باشد که با توازنی خاص و فواصلی متناسب در آیه برجسته شده است. موسیقی موزون حاصل از این تکرارِ پیاپی، به‌طور پیوسته تلنگری بر ذهن مخاطب وارد می‌کند تا در تعامل با والدین به‌هنگام سالخورگی، عدالت رفتاری و عدم تبعیض را مدنظر قرار دهد و در تمام اعمال و رفتارهای خود، نسبت به رعایت حقوق هردوی ایشان به‌طور توأمان عنایت و اهتمام داشته باشد. در توضیح بیشتر عدالت رفتاری حاصل از تکرار واژه «هما» می‌توان گفت: واژه «والدین» در زبان عربی، جزو واژگان ملحق به مثنی به‌شمار می‌آید که در واقع بر دو واژه والد و والده تصریح دارد و در صورت تکرار این واژه، مساله عدم تبعیض چندان برجسته نمی‌شد اما قرآن کریم، با کاربرد ضمیر «هما» مساله جنسیت، یا تقدم و تاخر و یا شدت و ضعف

عاطفی و غیره را کناری نهاده است و صرفاً بر تعامل شایسته و عادلانه با این هردو موجود گرانقدر تاکید می‌ورزد.

۳-۲. آموزه تربیتی «حفظ عزت نفس والدین در تعامل با ایشان»: از دیگر شواهد قرآنی در تصویرسازی مفاهیم تربیتی در آیات مرتبط با خانواده، واکاوی لایه آوایی در شکل هماهنگی همخوان‌ها با بافت موقعیتی کلام است که در واژه «أف» نمود یافته است: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آفٌ وَلَا تُنهَهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا...» (اسراء/۲۳).

«أف» در معنی لغوی، عمل حسی «دمیدن در خاک و مانند آن» است (نعمه و دیگران، ۲۰۰۱م، ذیل واژه أف). این واژه از جمله نام‌آواها (Onomatopoeia) است که به‌هنگام اظهار کراهت، تنفر و انزجار از امری مورد استفاده قرار می‌گیرد (بیضوی، ۱۴۱۸ق، ج ۳: ۲۵۲؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۸۹).

با توجه به ساختار آوایی واژه، همخوان یا واج از دو حرف «همزه» و «فاء» تشکیل شده است که هر دو، جزء حروف مهموس است؛ این ترکیب آوایی، صدایی نرم و ضعیف را هنگام ادا ایجاد می‌کند. آوای ایجادشده به‌گونه‌ای است که هنگام ادا، تأثیری حتی به اندازه بلندکردن گرد و غباری ناچیز را ندارد؛ تداعی چنین حسی، معنایی هم‌وزن آن می‌طلبد؛ در واکاوی آوایی این واژه، می‌توان گفت استفاده از حروف نرم مهموس در واژه و عدم تأثیر آن هنگام ادا، نهایت تلطیف کلام در مقابل والدین و منع کاربرد کوچک‌ترین ابزار ایجاد رنجش و دلخوری حتی در حد «أف» را نمایان می‌سازد و این امر نشان از منزلت والای پدر و مادر دارد. برجسته‌سازی لایه آوایی آیه فوق در شکل «أف» برای مخاطب، با تجسم ادای آن از راه دهان و صدای نامحسوس و ضعیفی که در هنگام ادا ایجاد می‌کند، تداعی‌گر کمترین مرتبه آزار و اذیت و رنجش خاطر والدین از سوی فرزند است که این مسأله اشاره به گفتار کریمانه و توأم با عزت و ارجمندی در تعامل با والدین دارد. در همین راستا امام صادق (ع) می‌فرماید: «اگر خداوند چیزی را (در آزرده پدر و مادر) کمتر از أف می‌دانست از آن نهی می‌کرد، و آن کمترین مراتب آزرده است، و از جمله آزرده آن است که کسی به پدر و مادر خود خیره نگاه کند» (نک: کلینی، ۱۳۶۹، ج ۴: ۵۰).

۳-۲. آموزه‌های تربیتی نظام خانواده در لایه واژگانی: یکی دیگر از لایه‌های مهم زبانی در یک متن، لایه واژگانی آن است زیرا بخش عمده‌ای از سرشت یک سبک را نوع‌گزینش واژه‌ها تشکیل می‌دهد. واژه‌ها جاندار و پویا هستند و از بار عاطفی و فرهنگی برخوردارند

(فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۱۹). براین اساس، کاربرد واژه‌های کهن، و یا خلق واژگان نو و یا نشان‌داری و بی‌نشان بودن واژه‌ها تاثیر بسزایی در برجستگی متن و پیدایی سبک خاص خالق متن دارد.

۳-۲-۱. آموزه تربیتی «حق مادی فرزند بر پدر»: در تعالیم قرآنی به دلیل حفظ مصالح خانواده و اقتدار بیشتر در مدیریت بهینه آن، به برخی از اعضای خانواده نقش‌های ویژه‌ای واگذار شده است. اگر چنانچه نقش و مسوولیتی به شخصی واگذار شود و در کنار آن اقتدار و اختیارات لازم وجود نداشته باشد، این کار لغو و بیهوده بوده و ثمره‌ای در پی نخواهد داشت. در خانواده، والدین به‌ویژه پدر، بیشترین نقش‌ها و مسوولیت‌ها را به عهده دارد.

حضانة فرزند یکی از مسوولیت‌های خطیر پدر در خانواده است و عدم نظارت پدر و حفظ نکردن جایگاه او، موجب می‌شود که زن به‌تنهایی متحمل تمام بارها و مسوولیت‌ها شود. بنابراین پدر بیش از مادر نسبت به فرزند مسوول است و دارای حق تربیت و پدری می‌باشد هم چنان‌که در آیه ۲۳۳ سوره بقره می‌فرماید: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بَوْلِدِهَا وَلَا الْمَوْلُودُ لَهُ بَوْلِدِهَا».

بی‌شک جایگزینی تعبیر «المولود له» بجای واژه «والد» یک پدیده زبانی صرف نیست بلکه با کاربری این شگرد زبانی، نکته نغز و آموه اخلاقی-تربیتی ژرف و حکمت حکمی که خداوند تشریح کرده است، مفهوم‌سازی می‌شود. و آن نکته اینکه فرزند پیش از مادر برای پدر متولد می‌شود و در بیشتر احکام زندگی‌اش ملحق به اوست، ناگزیر سرپرستی او و نیز مصالح زندگی و لوازم تربیتش از جمله خوراک و پوشاک و سکونت، بر عهده پدر می‌باشد و حال آن‌که کاربرد واژه «والد» به هیچ وجه گویای برجستگی مسوولیت پدر نبود.

۳-۲-۲. آموزه تربیتی «پرهیز همسران از نگاه لذتجویانه صرف به یکدیگر در روابط زناشویی»: غریزه جنسی یکی از کشش‌های مهم نفس آدمی است که ریشه در غریزه لذت جویی دارد و دارای محرکه‌ای بسیار قوی و کششی فوق‌العاده نیرومند است. غریزه جنسی انگیزه‌ای است برای پاسخگویی به یک نیاز طبیعی که با هدف ابقای نسل آدمی و تشکیل خانواده به‌دست توانای خداوند با نفس انسان عجین گریده است (اسماعیلی‌یزدی، ۱۳۸۵: ۲۲۰). علاقه به همسراری و میل به بهره‌مندی از لذایذ جنسی، لازمه ساختمان وجودی انسان و جزء لاینفک اوست و تحریک‌پذیری جنسی در مردان از نظر کمی در مقایسه با زنان، آسان‌تر، سریع‌تر و با فراوانی بیشتر و اغلب با بینایی صورت می‌گیرد، اما عدم تعدیل و فقدان کنترل آن موجب بروز بسیاری از مفاسد اجتماعی و انحرافات اخلاقی می‌شود.

قرآن کریم با در نظر گرفتن نیازهای واقعی و فطری و توجه به همه مصالح فردی و اجتماعی، برای ارضای صحیح، معقول و منطقی غریزه فوق‌الذکر، برنامه‌های متنوع و جامعی را ارائه فرموده که ازدواج یکی از آن راهکارها است. در این سنت مقدس الهی، لذت‌جویی هدف نیست بلکه فرصتی است برای عاطفه‌گرایی، کمال‌آفرینی و تعالی روحی و معنوی طرفین؛ و این همان نکته ژرف اخلاقی - تربیتی است که خداوند در ورای ساختار زبانی گفتمان قرآن آن را مفهوم‌سازی کرده است، آنجا که می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم/۲۱).

آیه فوق بیانگر این واقعیت است که برای مردان و زنان از جنس خودشان همسر آفریده شد تا به استقرار و سکونت برسند. در تحلیل مسأله سکونت و نیز کاربرد حرف جر «إلی» در راستای مفهوم‌سازی نکته ظریف تربیتی نهفته در ورای آن، بررسی معنی اصلی هر یک از این دو این واژه امری اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

تعبیر «سکن یسکن سکوناً» به معنی آرام گرفتن بعد از حرکت است خواه استقرار مادی باشد خواه معنوی (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۵: ۱۹۸). همچنان‌که حرف جاره «إلی» در معنی اصلی و کانونی خود بر انتهای غایت زمانی یا مکانی دلالت دارد (ابن‌هشام انصاری، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۰۴). با توجه به آنچه در مفهوم‌شناسی دو واژه گفته آمد، استعمال تعبیر «سکن» در گفتمان قرآنی جای تامل و تدقیق خواهد داشت چه این تعبیر در اغلب استعمالات قرآنی با واژگانی دال بر ظرفیت به‌کار رفته است که از باب تمثیل به آیات ۳۵ سوره بقره، ۱۳ سوره انعام، ۳۷ و ۴۵ سوره ابراهیم و ۸۰ سوره نحل می‌توان اشاره کرد.

بر این اساس، در آیه مورد بحث کاربرد واژه «عند» به‌عنوان ظرف مکان یا زمان به معنی حضور شیئی و یا قرب و نزدیکی آن در نزد مضاف‌الیه خود (ابن‌هشام انصاری، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۰۷)، مناسب‌تر به‌نظر می‌رسد. سوال اینجاست که سر جایگزینی واژه‌ای که بر مفهوم حضور حسی صراحت دارد (عند) با واژه‌ای دال بر حضور معنوی (إلی) در چیست؟ در پاسخ می‌توان گفت که با کاربرد واژه «عند» مفهوم نزدیکی حسی و لذت‌طلبی برجسته می‌شود و حال آنکه از نگرگاه خداوند مسأله غایت آفرینش آدمی که همان تکامل و تعالی معنوی است، مهم‌تر می‌باشد. از این‌رو، واژه غایت «إلی» استعمال شده است. همچنان‌که فخر رازی می‌گوید: «يقال سكن إليه للسكون القلبي وسكن عنده للسكون الجسماني، لأن كلمة عند جاءت لظرف المكان وذلك للأجسام و«إلی» للغایة وهي للقلوب» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۵: ۹۱). افزون بر این، تعبیر

«وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» نیز بر عاطفه‌گرایی، مهرطلبی و رسیدن به آرامش روحی - روانی طرفین دلالت دارد.

۳-۳. آموزه‌های تربیتی نظام خانواده در لایه صرفی: تک‌واژشناسی یا صرف یا ساختِ واژه (morphology) بخشی از دستور زبان است که ساخت (ساختار) واژه را مورد تحلیل قرار می‌دهد. به سخن دیگر، ساختِ واژه به شناخت تکواژها و راه‌های هم‌نشینی آن‌ها با یکدیگر در قالب‌های نحوی و نیز در واژه‌سازی می‌پردازد.

۳-۳-۱. آموزه تربیتی «نیکی به والدین در تمام ابعاد آن»: از جمله سازوکارهای مربوط به لایه‌های صرفی جمله، مقوله «تعریف و تنکیر» است که به تناسب بافت موقعیتی کلام، افزون بر معنای عام خود، ظرافت‌های معنایی خاصی را تداعی می‌سازد. خداوند بلندمرتبه در آیاتی چند از قرآن کریم، پس از توصیه انسان به عبادت خود و عدم شرک‌ورزی، با عبارت «وبالوالدین إحسانا» به نیکی در حق والدین اشاره می‌کند:

- «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (بقره/۸۳)؛

- «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (نساء/۳۶)؛

- «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْهِمْ عَلَيْهِمُ الْأَلْ تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (انعام/۱۵۱)؛

- «وَقَضَىٰ رَبِّيَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (اسراء/۲۳).

آنچه که در تمامی این آیات سبک ویژه و برجسته‌ای به خود گرفته و در لایه صرفی قابل بررسی است، وجود واژه «احسانا» در شکل نکره است که گویای معنی پنهان و ظریفی در بافت کلام می‌باشد. واژه «احسان» در کنار حرف اضافه «إلی»، «ب» و یا «ل» به معنی نیکی یا خوبی کردن به کسی به کار می‌رود (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳: ۱۱۶). در مورد گزینش این واژه در شکل نکره، برخی از مفسران بر این باورند که نکره آوردن، به سبب بزرگداشت و تعظیم والدین می‌باشد (مکارم‌شیرازی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۲: ۷۳). چنانچه مقام والا و رفیع والدین، در خور احسانی عظیم و برجسته است که کاربرد شکل نکره واژه احسان، این عمومیت، شمولیت، برجستگی و پیوستگی را نسبت به حالت معرفه آن مجسم می‌سازد؛ واژه احسان در تمامی آیات فوق نقش مفعول مطلق تاکیدی بالنیابه را داراست که جایگزین فعل امر «أحسنوا» شده و عدم کاربرد آن به شکل معرفه یا مفعول مطلق عددی یا مبین این است که با عدم تخصیص یا عدم تعریف و شناخته شدن، تمامی انواع نیکی‌ها را در نمودهای مختلف گفتاری و رفتاری همچون تلطیف کلام، نگاه محبت‌آمیز، رفتار کریمانه، حمایت و مراقبت همه جانبه عاطفی، مالی، بهداشتی و...

را شامل شود و این معنی گسترده و غیرمقطعی و پیاپی، تنها با برجسته‌سازی واژه در قالب نکره امکانپذیر بوده است.

۳-۲. آموزهٔ تربیتی «تعامل گفتاری نیکو با فرزند»: ساختار زبانی «تصغیر» علاوه بر معنی مرکزی تقلیل و تصغیر شامل معانی فراوضعی مانند عطوفت، ترحم، لطف، تسلیم و غیره می‌شود که در ردیف معانی فرامرزی قرار می‌گیرد. برداشت چنین معانی زایشی در توجّه توأمان به ساختار صرفی تصغیر و ساختار موقعیت در قرآن کریم شکل می‌گیرد؛ به‌عنوان نمونه در آیات ذیل نمونه‌هایی از مفاهیم تربیتی مربوط به تعامل با فرزندان در قالب تصغیر به نمایش درآمده است:

«هِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ» (هود/۴۲)؛

«قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (یوسف/۵)؛

«يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ...» (لقمان/۱۷).
از جمله شگردهای زبانی لایه صرفی به‌کار رفته در آیه، کاربست واژه مصغر «بُنَيَّ» (پسرکم) است؛ در حقیقت این لفظ تداعی‌گر معنی تحبیب در باب تصغیر می‌باشد و گزینش این واژه به شکل مصغر، پرده از این نکتهٔ تربیتی برمی‌دارد که باید در مقام موعظه با فرزندان با زبان نرم و محبت صحبت نمود (طبرسی، ۱۴۱۳ق، ج ۸: ۴۹۴). خداوند متعال به‌طرز زیبایی با استفاده از این واژه رابطهٔ عاطفی و محبت‌آمیز پدر - فرزندی را به تصویر کشیده است؛ لذا ساختار تصغیر در این آیه به معنی تقلیل و تصغیر حقیقی (معجمی) نبوده بلکه بیانگر معانی ضمنی و آموزه‌های تربیتی همچون تحبیب فرزندان، لزوم تلطیف کلام با آنان و کاربرد گفتمانی شایسته در هم‌کلامی با ایشان در تمامی موقعیت‌ها، به‌ویژه موقعیت خطیر وعظ و نصیحت است؛ به بیان دیگر، توجّه به یک واحد زبانی کوچک در قرآن، الگویی جامع از کیفیت روابط متقابل والدین و فرزندان را به تصویر می‌کشد.

۳-۴. آموزه‌های تربیتی نظام خانواده در لایهٔ نحوی: معنی برآمده از ساختار، چینش، همنشینی و روابط نحوی، سازه‌های جمله‌ها است و به ویژه تکنیک‌های نحوی، موثرترین شیوه‌های معنا آفرینی به‌شمار می‌آید (باقری خلیلی و محمودی نوسر، ۱۳۹۲: ۴۳). آرایش سازه‌ها، جابجایی آن‌ها به راست یا چپ، ذکر و حذف آن‌ها و به‌طور کلی ساختمان کلام و روابط عناصر جمله با یکدیگر در علم نحو یا دانش جمله‌شناسی، نقش بسزا و غیرقابل انکاری در میزان

برجستگی و مقبولیت یک متن دارد. این شاخه مهم از دستور هر زبان، نظام‌مندی و خلاقیت فراوانی را طلب می‌کند.

۳-۴-۱. آموزه تربیتی «تکریم والدین»: قرآن کریم با کاربست شگرد ذکر و حذف سازه‌ای، یکی از متعالی‌ترین آموزه‌های اخلاقی - تربیتی خود را در راستای تکریم والدین به تصویر کشیده است:

- «...يُودُّ الْمُجْرِمَ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بَنِيهِ * وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ * وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ * وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ» (معارج/ ۱۱-۱۴)؛

- «يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ * وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ * وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ» (عبس/ ۳۴-۳۶).

با تامل و تدقیق در چینش سازه‌ای دو آیه فوق می‌توان شاهد دو سبک متفاوت گفتمان قرآنی بود؛ این تفاوت سبکی برخاسته از حذف واژگان «أُمّه و أبیه» در سوره معارج و ذکر آن‌ها در سوره عبس و همچنین ترتیب واژگان «بنیه، صاحبته و آخیه» در هر دو سوره است.

پدر و مادر سمبل نیکی و احسان به فرزند هستند و برای پرورش و بالندگی او از جان خود مایه می‌گذارند، لذا سزاوارترین انسان‌ها برای تکریم و احترامند. در همین راستا، خداوند والاترین اندیشه تربیتی و آموزه اخلاقی مربوط به جایگاه والدین را در نظام خانواده در ورای کاربست شگرد زبانی حذف دو سازه «أُمّه و أبیه» تبیین کرده است؛ بدین نحو که برای نشان دادن مقام والای والدین، در مقام فداکردن، این دو واژه را حذف می‌کند تا بدین وسیله جایگاه و منزلت والا و رفیع والدین را نشان دهد به طوری که انسان حتی برای نجات جان خود نیز نباید به ساحت این دو عزیز لطمه‌ای وارد کند. اما درباره ذکر این دو واژه در امر فرار، باید گفت در آن روز همگان به کار خود اشتغال داشته و متوجه دیگری نیستند لذا فرار انسان از والدین طبیعی به نظر می‌رسد و نسبت به فداکردن، تاثیر کم‌تری در تنزل منزلت ایشان دارد.

افزون براین، چینش خاص واژگان «بنیه، صاحبته و آخیه» آموزه تربیتی دیگری را در ارتباط با نظام خانواده و روابط عاطفی و روانی میان اعضاء مفهوم‌سازی کرده است، گرچه بافت موقعیت هر دو سوره درباره واقعه قیامت است که واقعه‌ای بس شدید و عظیم و دهشتناک است. و شدت آن روز به حدی است که اقربای انسان و نزدیکانش که یک روز طاقت فراقشان را نداشت و آن‌ها را یاور و بازوی خود در زندگی می‌پنداشت، و همواره به آنان پناه می‌برد، در آن روز از همه آنان می‌گریزد، برای اینکه شدت آن، چنان آدمی را احاطه می‌کند که نمی‌گذارد به یاد چیزی و کسی بیفتد، و اعتنایی به غیر خود کند، حال غیر خودش هر که می‌خواهد باشد. نیز عذاب خداوند در آن روز به قدری هولناک است که انسان می‌خواهد عزیزترین عزیزان خود

را که طبق آیات ۱۱-۱۴ سوره معارج در چهار گروه (فرزندان، همسران، برادران، و فامیل نزدیک که یار و یاور او هستند) خلاصه شده‌اند، همه را برای نجات خود فدا کند، و البته نه فقط آن‌ها، بلکه حاضر است تمام مردم روی زمین برای رهایی او از عذاب قربانی شوند.

پرمسلم است که وجود برخی واژه‌ها در هر یک از دو آیه مورد بحث سبب پیشی گرفتن و یا موخر شدن واژه «أخیه» شده است. درباره پیشی گرفتن واژه «أخیه» در سوره عبس، برخی از مفسرین (ابن عاشور، ۱۹۸۴م، ج ۳۰: ۱۱۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵: ۲۵۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۷۰۵) بر این باورند که به دلیل وجود واژه «یفر» چینی این گروه‌های خویشاوندی براساس سیر صعودی صورت گرفته است. زیرا انسان در دوران کودکی با برادر خود روابط نزدیک‌تری دارد سپس به والدین اشاره می‌کند زیرا والدین بیش از هر فرد دیگری به فرزند خود عشق می‌ورزند و در همین مرحله ذکر «أم» بر «أب» پیشی گرفته چون عشق و مهر مادر به فرزندش بیش‌تر از پدر است و در نهایت امر، رابطه انسان با همسر و فرزندانش مستحکم‌تر و شدیدتر از گروه‌های پیشین است.

به صورتی مشابه، تغییر سبک در سوره معارج، حاصل تاثیر فضای واژگانی بر چینی خاص سازه‌ها و در راستای تبیین برخی نکته‌های ظریف اخلاقی-تربیتی است. به بیانی دیگر، در این سوره بحث بر سر فداکردن جان است و در این امر، نزدیک‌ترین عضو به انسان بعد از جانش، فرزند اوست؛ زیرا مالک و صاحب آن است. لذا در آن زمان، فرد برای اینکه از عذاب در امان بماند، حاضر می‌شود که عزیزترین عضو خانواده‌اش به جای او شکنجه شود. بعد از آن نیز واژه همسر ذکر شده چون به فرزند مرتبط است لذا پس از فرزند، شخص می‌خواهد که به جای او فدا شود و به همین ترتیب دیگر اعضای خانواده (خطیب، ۱۹۶۷م، ج ۱۶: ۱۴۶۴).

بدین ترتیب، قرآن کریم برای تصویرسازی هولناک‌ترین واقعه هستی، از نظام خانواده و روابط میان اعضای آن به عنوان امن‌ترین محیط و رضایت‌بخش‌ترین بستر برای ارضای نیازهای روانی، به ویژه تأمین آرامش روانی کمک می‌گیرد تا بدین وسیله بر ضرورت ایجاد آرامش در نظام خانواده و روابط عاطفی مثبت در میان اعضای این نظام تاکید داشته باشد. زیرا به اعتقاد روان‌شناسان، آرامش و اطمینانی که برای همسران و حتی دیگر اعضای خانواده در محیط خانواده بهنجار ایجاد می‌شود، در هیچ جایی حاصل نمی‌گردد. محبت، غمخواری، پذیرش و تکریم یکدیگر که از مهم‌ترین مؤلفه‌ها و ضروریات زندگی اجتماعی است، به بهترین وجهی در خانواده تأمین می‌شود.

در ارائه نمونه‌ای دیگر از سازوکار ذکر و حذف می‌توان به ذکر واژه «عند» به عنوان ظرف مکان در آیه‌ای مرتبط با چگونگی تعامل فرزند با والدین در دوران سالخوردگی اشاره نمود؛ گرچه عواطف انسانی و مسأله حق‌شناسی به تنهایی برای رعایت احترام در برابر والدین کافی است، اما آموزه‌های دینی در بیان برخی از مهم‌ترین نموده‌های گفتاری و رفتاری تعامل با والدین سکوت روا نمی‌دارد (مکارم‌شیرازی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۲: ۷۸) و با آرایش و چینش واژگانی دقیق در قالب‌هایی همچون ذکر و حذف، ساختاری هدفمند را شکل می‌دهد؛ ساختاری که در پس خود بسیاری از مسائل اخلاقی - تربیتی را به تصویر می‌کشد.

قشر سالمند از جمله گروه‌های اجتماعی است که رفع نیازهای طبیعی آنان مسأله‌ای ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. در این میان خداوند بلندمرتبه نیز به این دوران مهم و حساس در زندگی والدین توجه داشته و مهم‌ترین حقوق والدین بر فرزند را در این مقطع خطیر از زندگی بیان نموده است: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلَّةِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا» (اسراء/۲۳).

در این آیه ذکر واژه «عند» در کنار ضمیر مخاطب «ک» و برجسته‌سازی آن در بافت آیه، الهام‌بخش پیام‌های تربیتی برای فرزندان در قبال والدین است. این مسأله که چرا خداوند متعال زمان رسیدن والدین به سالخوردگی را با تعبیر «عندک» بیان نموده است، توجه انسان را جلب می‌نماید.

کاربرد این ظرف در زبان عربی نشانگر آن است که چیزی کاملاً در کنار مضمون قرار دارد و بودن آن ملموس است. صاحب مجمع‌البیان درباره علت‌گزینش این ظرف مکانی می‌گوید: اگر پدر و مادر پیر و ناتوان شدند، وظیفه فرزند است که آن‌ها را تحت حمایت خود و در خانه خود مراقبت نماید (طبرسی، ۱۴۱۳ق، ج ۶: ۶۳۱). براین اساس، فرزند می‌بایست در دوران پیری به مراقبت و حمایت همه جانبه والدین خود اهتمام ورزد و جایگاه آن‌ها را در کنار خود قرار دهد و در سایه‌سار محبت خود سرپرستی آن‌ها را متعهد شود و «از هر لحاظ مراعات حال ایشان را بکند و آن‌ها را به سرای سالمندان نفرستد» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۷: ۴۱).

جایگاه والدین پیر، پیش از آنکه در سرای سالمندان باشد، کانون گرم و با محبت خانواده است، تا محور تجمع و الفت افراد و برخوردار از تجربیات مفید و سازنده آنان گردد. آمارها نشان داده است که از جمله آسیب‌های اجتماعی رو به افزایش در جامعه، عدم احترام به افراد سالخورده از سوی فرزندان و سپردن والدین در زمان پیری به خانه سالمندان است که اثرات

منفی همچون افسردگی، اضطراب، گوشه‌گیری و مرگ زودرس را در پی خواهد داشت (پاشا و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۱۳). گفتنی است، این مسأله به معنی تخریب کامل سرای سالمندان و دیدگاه کاملاً منفی به آن نیست بلکه این مراکز برای والدینی که کسی را برای سرپرستی ندارند، مفید و ضروری است.

۳-۴-۲. آموزه تربیتی «منزلت والای دختر در خانواده»: خداوند بلندمرتبه در بیان اهمیت جایگاه دختر با برجسته‌سازی شگرد نحوی «تقدیم و تأخیر» در چینش واژگانی می‌فرماید: «اللَّهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنِّتَا وَبِهِبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ» (شوری/۴۹).

آنچه در آیه جلب توجه می‌کند این است که لفظ «اناث» بر لفظ «ذکور» مقدم شده است و فعل «یهب» برای هر دو لفظ به‌طور جداگانه تکرار گشته؛ در بررسی سبک‌شناختی آیه با توجه به لایه نحوی در قالب تقدیم و تأخیر می‌توان گفت تقدیم واژه اناث بر لفظ ذکور در موقعیت کلام و در روابط همنشینی با واژه یهب تصویرگر ارج‌نهادن به جایگاه دختر در آیین اسلام است؛ زیرا قرآن کریم از هر دو جنسیت -چه دختر و چه پسر- به‌عنوان هبه‌ای از جانب خداوند سبحان یاد می‌کند لذا تقدیم نام دختر بر پسر در توصیف آنان به هدیه الهی نشان از اهمیت به جنس دختر و برجسته‌سازی ارزش این جنس ظریف و حساس در جامعه دارد؛ این مسأله با توجه توأمان به رابطه اسنادی میان یهب و اناث و تقدیم در چینش واژگانی اناث نسبت به ذکور مشخص می‌گردد.

به‌بیان دیگر، علت این تقدیم و تأخیر در بافت آیه از یک‌سو بیانگر اهمیت اسلام به احیای شخصیت زن (مکارم‌شیرازی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۰: ۴۸۳) و تجلیل از دختر می‌باشد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱۰: ۴۲۵) و از سوی دیگر پندارهای غلط فرهنگی-اجتماعی دوران جاهلیت را در نگاه تحقیرآمیز به دختر و زن و نیز نسبت نحوست و بداقبالی به این جنسیت را نفی می‌کند. چنانچه در ترسیم سیمای بداندیشان جاهلی می‌گوید: «وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ * يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ» (نحل/۵۸-۵۹). با توجه به سبک‌شناسی لایه‌ای موجود در نمونه یادشده می‌توان گفت، تقدیم و تأخیر به‌عنوان یکی از سازه‌های دستوری، علاوه بر این‌که اصولی کاملاً نظام‌مند است اما با زایش معانی ظریفی همچون معنی اخلاقی-تربیتی «منزلت والای دختر در خانواده»، دریچه‌ای به‌سوی خلاقیت و نوآوری متن قرآن می‌گشاید و بر زیبایی و شیوایی تعبیر و حسن سبک نیز می‌افزاید (زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۲۳۳).

افزون بر تحلیل سبک‌شناختی آیه بر پایه مقوله تقدیم و تأخیر می‌توان به علت نکره آمدن واژه اناث و تعریف کلمه «الذکور» نیز اشاره نمود.

بنابر تفاسیر مختلف ارائه شده در علت تنکیر و تعریف دو واژه مذکور، دقیق‌ترین توجیه و موشکافانه‌ترین تبریر این است که کاربست واژه «اناث» در شکل تنکیر آن به‌گونه‌ای روشن بر ناپسند داشتن دختر و عدم توجه و بیگانه بودن این جنسیت در باور قلبی و درونی جاهلان و تنگ‌نظران جاهلی تصریح دارد، و در مقابل، تعریف واژه «ذکور» به میل و رغبت و آرزوی قلبی ایشان به وجود پسر اشاره دارد که دائماً با این آرزو رابطه‌ای دیرینه داشته‌اند و همین حضور قلبی می‌تواند معرفه آمدن این واژه را توجیه کند: «وفی تعریف الذکور، التنبیه علی أنه المعروف الحاضر فی قلوبهم، أول کل خاطر، وأنه الذی عقدوا علیه مناهم» (الوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۳: ۵۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۲۳۲)؛ اما قرآن کریم در جایگاه کشیدن خط بطلانی بر این باور پوچ و بی‌اساس و غیرمعقول، هر دو جنس نامأنوس و مأنوس را هبه‌ای از سوی ایزد بخشنده معرفی نموده است. همچنان که از حضرت محمد(ص) - پیامبر مهربانی‌ها - روایت شده است: «مَنْ وُلِدَتْ لَهُ ابْنَةٌ فَلَمْ يُؤْذِهَا وَ لَمْ يُهِنِّهَا وَلَمْ يُؤْثِرْ وُلْدَهُ عَلَيْهَا - يَعْنِي الذَّكُورَ - أَدْخَلَهُ اللَّهُ بِهَا الْجَنَّةَ؛ هر کس که دختری برایش به دنیا بیاید و او را اذیت و تحقیر نکند و پسران خود را بر او ترجیح ندهد، خداوند به واسطه آن دختر او را به بهشت می‌برد» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۱۳: ۴۲۲).

۳-۵. آموزه‌های تربیتی نظام خانواده در لایه بلاغی: بی‌شک، عناصر ادبی و بلاغی، نقش بسزایی در ادبیت متن و پیدایی سبک خالق متن ایفا می‌کند، چنان که گفته‌اند یک سبک بلاغی در استفاده از ظرفیت‌های زبانی و توانمندی‌های هنری و آرایه‌های ادبی از روش یکنواختی استفاده نمی‌کند، بلکه آمیزه‌ای از روش‌های مختلف کاربست زبان است (Fairelough, ۱۹۹۹). تشبیه، مجاز، استعاره، کنایه، حس‌آمیزی، جاندارپنداری و... از جمله سازوکارهای بلاغی زبان هستند که از زبان معیار فاصله گرفته و موجب برجستگی و ابهام هنری متن و در نتیجه تشدید تلاش ذهنی مخاطب می‌شود.

۳-۵-۱. آموزه تربیتی «تواضع و فروتنی نمود اعتقادی-رفتاری در تعامل با والدین»: از جمله هنجارهای مثبت اجتماعی، تعامل نیک و خوش‌رفتاری با دیگران و به ویژه والدین است که از مصادیق عمده آن، تواضع و فروتنی نسبت به ایشان می‌باشد.

فضیلت اخلاقی تواضع از جمله فضایلی است که در تمام آموزه‌های دینی بر آن تاکید شده است. عالمان اخلاق تواضع را به معنی ناچیز شمردن نفس دانسته‌اند؛ در برابر خداوند به اطاعت

از اوامر و در برابر مردم به رفتار فروتنانه و رعایت انصاف (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۰: ۲۳۸). نیز خداوند بلندمرتبه، در آیه ۶۳ سوره فرقان، این صفت حسنه را از شاخصه‌های بندگان شایسته خود معرفی کرده، می‌فرماید: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا».

قرآن کریم، این فضیلت اخلاقی و آموزه تربیتی را به‌هنگام تعامل با والدین مدنظر داشته است و آن را با تعبیری استعاری در لایه بلاغی زبان مفهوم‌سازی کرده؛ بی‌شک، تبیین ارکان موجود در این استعاره به ظرافت‌های معنایی دقیقی اشاره دارد که کاربست آن در قالبی عادی و زبانی معیارگونه چنین معنایی را نمایان نمی‌ساخت: «وَاحْفَظْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ» (اسراء/۲۴).

پنداشت استعاری موجود در عبارت «اخفض جناح الذل» نمود یافته است؛ بدین نحو که تواضع و فروتنی به پرنده‌ای مانند شده که بال‌های خود را پایین کشیده و بر زمین فرود آمده است. جناح یا بال قبل از هرچیزی نماد پرواز، علو و ارتفاع است و همچنین بیانگر اوج قدرت و آزادی؛ اما خفض جناح، عبارت است از خضوع و تذلل و خواری که ضد بلندپایگی و خودبزرگ بینی است (ضیاء‌آذری، ۱۳۹۰: ۱۰۰). کاربست این تعبیر از آن‌روست که در گفتمان قرآنی، مفاهیم ارزشی - اخلاقی با مدد جستن از جهات مکانی بالا، جلو، راست و... و مفاهیم ضد ارزشی - اخلاقی با جهات مکانی پایین، عقب، چپ و... کالبدینه شده‌اند.

به‌هرروی، بال، وسیله‌ای برای فراز و فرود است و فروبستن بال اشاره به پایین آمدن از مکان بلند و چسبیدن به خاک دارد که جایگاه آن نسبت به آسمان در حضيض است. قرآن کریم براساس تجربه عینی بشر همچون پایین کشیدن بال، فرود آمدن و بلندپروازی نداشتن، نهایت تسلیم بودن در مقابل والدین و نرمی و تواضع را در تعامل با ایشان مفهوم‌سازی کرده است.

علامه طباطبایی (ره) در تبیین علت مفهوم‌سازی عینی تواضع در برابر والدین و تصویرسازی آن با خفض جناح بر این باور است که کاربست جناح برای مفهوم انتزاعی ذل، بیانگر الزام تواضع فرزندان در مقابل والدین، به شکلی نه تنها اعتقادی بلکه عملی نیز می‌باشد؛ یعنی این تواضع همانگونه که در آیه مذکور به تجسم درآمده، در رفتار فرزندان نیز باید کاملاً مشهود باشد تا والدین این امر را به روشنی احساس نمایند (طباطبایی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۳: ۱۱۰).

فخررازی نیز در تبیین مفهوم اخلاقی تواضع در این آیه معتقد است به‌طور معمول در طبیعت، یکی از حالات پایین‌آوردن بال در پرندگان زمانی است که جوجه‌هایشان را زیر بال و پر خود می‌گیرند و از آنان مراقبت می‌کنند؛ براین اساس می‌توان گفت کاربرد استعاره خفض

جناح برای ذلّ و فروتنی، تصویرگر احساس تواضع در برابر والدین، مهربانی، توجه و مراقبت همه جانبه از آنان در تمامی مراحل زندگی است؛ همانگونه که پرنده در زمان مراقبت و ایجاد امنیت بر جوجه‌هایش بال می‌گستراند (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۰: ۳۲۷).

۳-۵-۲. آموزه تربیتی «تعامل محبت‌آمیزتر با مادر»: تعبیر استعاری دیگری که در مفهوم سازی یکی از آموزه‌های تربیتی نظام خانواده در گفت‌وگو با روان‌شناسی لایه‌ای، تعبیر «وَهْنًا عَلٰی وَهْنٍ» در آیه ۱۴ سوره لقمان می‌باشد: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلٰی وَهْنٍ وَفِصَالَهُ فِيَّ غَمٍّ إِنَّ اَشْكُرَ لِيْ وَوَالِدَيْكَ اِلٰى الْمَصِيْرُ».

در این آیه، کاربست حرف اضافه «علی» مفهوم انتزاعی «وهن» را به عنوان شیئی محسوس و دارای حجم مجسم می‌کند که می‌تواند روی شیء دیگری قرار گیرد. به عبارتی دیگر قرآن برای تبیین مفهوم استعلاء معنوی از مفهوم استعلاء مادی بهره جسته است؛ جالب اینکه خداوند با یک تعبیر سه کلمه‌ای و فوق‌العاده موجز، تصویری متحرک و پویا از ضعف و سستی پدیدآمده و مدت دار در وجود مادر می‌آفریند که این حالات از نخستین لحظات حمل تا واپسین ایام شیردهی لحظه به لحظه حجیم و حجیم‌تر می‌شود (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۴۹۴).

این تعبیر استعاری با ترسیم وهن در شکل امری غالب بر امری مشابه خود، دیواری سترگ از ضعف و سستی را بر وجود مادر مستولی می‌سازد و بدین شکل به ترسیم فزونی مرحله به مرحله ضعف وجودی مادر می‌پردازد که تمامی عوارض جسمی و روحی برآمده از زمان بارداری تا اتمام دوران شیردهی را شامل می‌شود. گفتنی است ترسیم وهن در شکل امری فراگیر و غالب موجودی قدرتمند را در ذهن تداعی می‌سازد که می‌تواند سدّ و مانعی در مقابل نیرو و توان مادر ایجاد کند و چنان قدرتی می‌یابد که دامنه تحرک و فعالیت‌های او را کاهش می‌دهد. در واقع این مانع، ریشه در جنینی دارد که در رحم مادر رشد می‌کند و وزن می‌گیرد (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۴۹۵).

براین اساس، در پی پیکره‌مند نمودن مفهوم مشقت‌های مادر در زمان بارداری و دوران شیردهی با کاربرد حرف جر «علی»، در قالب استعاری «ضعف و سستی، حجمی است که بر چیزی قرار می‌گیرد» این معنی تربیتی الهام می‌شود که مادر، شخصیتی در خور احترام ویژه است چه در زمان حمل تا شیرخوارگی ضعفی پی‌درپی بر وجود وی سطره یافته و آرامش را از او سلب نموده است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در صفحات پیشین این جستار، آموزه‌های تربیتی نظام خانواده مورد تحلیل سبک‌شناسانه قرار گرفت و ضمن بیان پاره‌ای از آیات قرآن کریم نشان داده شد که:

- خداوند متعال در قرآن کریم در زبان بشری تجلی یافته و ژرف‌ترین و سازنده‌ترین آموزه‌های انسان‌ساز را با کمک اختیارات همین زبان مفهوم‌سازی کرده است.
- هریک از لایه‌های زبانی گفتمان قرآنی (لایه آوایی، واژگانی، صرفی، نحوی، بلاغی) نه تنها ترکیب و ساختار زبانی محض و یا بازی با الفاظ نیست بلکه برعکس کاملاً هم‌سو و هماهنگ با فکر و اندیشه مسلط بر متن قرار داده شده‌اند.
- واج‌آرایی، جایگزینی واژگانی، ذکر و حذف، جابجایی سازه‌ها به راست یا به چپ، تعریف و تنکیر، مجاز و استعاره و غیره از جمله سازوکارهای زبانی به‌شمار می‌آیند که در مفهوم‌سازی آموزه‌های الهی انسان‌ساز مربوط به نظام خانواده دخیل هستند.
- عدالت رفتاری و عدم تبعیض، حفظ عزت نفس والدین، پرهیز از نگاه لذت‌جویانه صرف به زن، حق مادی فرزند بر پدر، جایگاه والای دختر و... از جمله آموزه‌های اخلاقی-تربیتی است که قرآن کریم آن‌ها را از مجرای زبان مفهوم‌سازی کرده است.
- تدقیق و تأمل در هریک از اختیارات زبانی، نشان خواهد داد که یک متن تا چه حد ادبی و خلاق و تا چه حد قراردادی و معمولی است.

فهرست منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، محقق: علی عبدالباری عطیه، دارالکتب العلمیه، بیروت، جلدهای ۱۳ و ۱۵.
۳. ابن عاشور، محمد بن طاهر، (۱۹۸۴م)، التحریر والتنویر، الدار التونسیه للنشر، تونس، جلد ۳۰.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، دارصادر، بیروت، چاپ سوم، جلد ۱۳.
۵. ابن هشام انصاری، جمال الدین، (۱۳۷۸)، مغنی اللیب، تحقیق مازن المبارک، مؤسسه الصادق، طهران، جلد اول.
۶. اسماعیلی‌یزدی، عباس، (۱۳۸۵)، فرهنگ تربیت، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، چاپ دوم.

۷. باقری خلیلی، علی‌اکبر، محمودی نوسر، مریم، (۱۳۹۲)، منظورشناسی جمله‌های پرسشی در غزلیات سعدی، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال ششم، شماره اول، شماره پیاپی ۱۹، صص ۴۳-۵۷.
۸. بهار، محمدتقی، (۱۳۴۹)، سبک‌شناسی، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.
۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ق)، أنوارالتنزیل وأسرارالتأویل، محقق: محمد عبدالرحمن مرعشلی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، جلد سوم.
۱۰. پاشا، غلامرضا و همکاران، (۱۳۸۶)، مقایسه سلامت عمومی و حمایت اجتماعی بین سالمندان ساکن خانه سالمندان و سالمندان ساکن در خانواده، فصلنامه خانواده‌پژوهی، شماره ۹، صص ۵۰۳-۵۱۷.
۱۱. خطیب، عبدالکریم یونس، (۱۹۶۷م)، التفسیر القرآنی للقرآن، دارالفکر العربی، قاهره، جلد ۱۶.
۱۲. راستگو، سیدمحمد، (۱۳۷۶)، هنر سخن‌آرایی، مرسل، کاشان.
۱۳. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، (۱۴۱۰ق)، البرهان فی علوم القرآن، دارالمعرفه، بیروت، جلد سوم.
۱۴. زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التأویل، دارالکتب العربی، بیروت، جلدهای سوم و چهارم.
۱۵. سبحانی‌نیا، محمد، (۱۳۹۰)، راه و رسم زندگی، موسسه بوستان کتاب، قم.
۱۶. ضیاء‌آذری، شهریار، (۱۳۹۰)، عبار استعاره جلوه‌ای از اعجاز بیانی قرآن کریم، سروش، تهران.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۳ق)، مجمع‌البیان، منشورات ناصرخسرو، طهران، چاپ سوم، جلدهای ششم و هشتم.
۱۸. طباطبایی، محمدحسین، (۱۴۱۶ق)، تفسیرالمیزان، مترجم: محمدباقر موسوی‌همدانی، مؤسسه النشرالإسلامی التابعه لجماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم، قم، چاپ پنجم، جلد ۱۳.
۱۹. غیائی، محمدتقی، (۱۳۶۸)، درآمدی بر سبک‌شناسی ساختاری، شعله اندیشه، تهران.
۲۰. فتوحی رودمعجنی، محمود، (۱۳۹۰)، سبک‌شناسی؛ نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، نشر سخن، تهران.
۲۱. فخررازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، داراحیاءالتراث العربی، بیروت، چاپ سوم، جلدهای ۲۰ و ۲۵.
۲۲. قرائتی، محسن، (۱۳۸۳)، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، چاپ ۱۱، جلدهای هفتم و ۱۰.
۲۳. قرشی، علی‌اکبر، (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، چاپ ششم، جلد اول.

۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۹)، اصول کافی، مترجم: جواد مصطفوی، کتابفروشی علمیه اسلامیة، تهران، جلد چهارم.
۲۵. کواز، محمد کریم، (۱۴۲۶ق)، الأسلوب فی الإعجاز البلاغی للقرآن الکریم، جمعیه الدعوه الإسلامیه العالمیه، بنغازی.
۲۶. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۷۷)، میزان الحکمه، موسسه فرهنگی دارالحدیث، تهران، جلد ۱۳.
۲۷. مصطفوی، حسن، (۱۴۳۰ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، دارالکتب العلمیه، بیروت، چاپ سوم، جلد پنجم.
۲۸. مقیاسی، حسن و فراهانی، سمیرا، (۱۳۹۳)، سبک شناسی لایه‌ای در خطبه ۲۷ نهج البلاغه، فصلنامه پژوهش‌های نهج البلاغه، سال دوم، شماره ۷، صص ۳۹-۶۲.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۴۱۶ق)، تفسیر نمونه، دارالکتب الإسلامیه، طهران، جلدهای ۱۲ و ۲۰.
۳۰. مهنا، عبدالله علی، (۱۴۱۳ق)، لسان اللسان؛ تهذیب لسان العرب، دارالکتب العلمیه، بیروت، جلد اول.
۳۱. نعمه، أنطوان و دیگران، (۲۰۰۱م)، المنجد فی اللغة العربیة المعاصرة، دارالمشرق، بیروت، چاپ دوم.
۳۲. **Fairelough, N. (۲۰۰۰), New Labour, New Language, London, Longman.**